



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۳. اجماع منقول - بررسی اجماع تقریری - اشکال اول - اشکال دوم
سال پانزدهم
تاریخ: ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳
مصادف با: ۹ ذی القعدة ۱۴۴۵
جلسه: ۱۱۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم یکی از وجوهی که برای حجیت اجماع و چگونگی کشف رأی معصوم ذکر شده طریق تقریر است. محصل این طریق این بود که از اجماع فقهای متقدم کشف شود اصحابی هم که با ائمه (ع) محشور بودند همین نظر را داشتند و ائمه (ع) نیز با سکوت خود نظر اصحاب را تأیید کرده اند. پس این طریق مبتنی بر اتصال این اجماع به زمان معصوم است و اینکه آن فتوا در میان اصحاب مورد قبول بوده و در مرئی و مسمع امام محقق شده و امام نیز با سکوت آن را تقریر کردند. این محصل اجماع تقریری بود. البته دو سه راه هم برای احراز اتصال اجماع به زمان امام ذکر شد.

بررسی اجماع تقریری

اشکال اول

قبل از هر چیز باید ببینیم این اجماع با طریقه محقق بروجردی فرق ماهوی دارد یا خیر؟ محقق بروجردی طبق برخی از تقریراتی که از ایشان باقی مانده فتاوی کتب فقها را به سه قسم تقسیم کردند؛ البته تعابیر مختلف است، بعضی گفتند کتب به سه قسم تقسیم می شوند، بعضی گفتند مسائل به سه قسم تقسیم می شود، بعضی گفتند که فتاوا به سه قسم تقسیم می شوند. اگر بپذیریم عنایتی در به کارگیری این واژه ها نبوده و همه یک منظور داشته اند، می توان این اختلاف در تعبیر را توجیه کرد. به هر حال آنچه که از فقها باقی مانده است اگر کتاب هم باشد، کتاب مشتمل بر فتوا بوده و این فتاوا در واقع مربوط به چند نوع مسئله بوده، فقها در یکسری مسائل اتفاق نظر داشتند که به عنوان مسائل اصلی یا اصول متعلقات از معصومین معرفی شده، یکسری فروعی بوده که خود فقها در آن استنباط کردند و یکسری فروعی بوده که بر اساس حکم عقلی یک فتوایی را بیان کردند. بنابراین می توانیم با اندکی تسامح بگوییم منظور روشن است، هر چند بعضی از تعابیر دقیقتر است نسبت به برخی دیگر. ما شاید تعبیر به فتوا را خیلی دقیق ندانیم یا باید بگوییم کتب یا مسائل، حال هر کدام هم که باشد جهتش روشن است. با قطع نظر از این نکته بالاخره محقق بروجردی فرمودند آنچه که به عنوان اصول متعلقات از معصومین شناخته می شوند عبارت است از همان احکامی که فقها در آن اتفاق نظر دارند و این را از معصومین تلقی کردند، تلقی از معصومین یعنی اینکه یدایده تا زمان معصوم اخذ شده، اتفاق علما بالاخره با واسطه اصحاب و نظر معصوم محقق شده، پس این یک اجماعی است که متصل به زمان معصوم است و مهر تأیید معصوم پای آن است. چون آنچه که اصحاب نقل کردند مخصوصاً در آن زمان همان نظر معصومین بوده، به عبارت دیگر اصحاب در آن موقع غیر از نظر معصومین نظر دیگری را بیان نمی کردند. پس در واقع آنچه که به عنوان اجماع تقریری بیان شده است شاید فی الجمله فرقی با نظر محقق بروجردی نداشته باشد.

البته یک نکته را می‌توانیم بگوییم و آن اینکه طبق این وجه که به نام اجماع تقریری شهرت پیدا کرده صرف سکوت امام نسبت به یک نظری که اصحاب آن را بیان کرده اند حاکی تأیید امام است و همین کفایت می‌کند. اما طبق نظر محقق بروجردی اصل متلقای از معصوم در واقع یعنی همان نظری که از معصوم تلقی شده، اینجا دیگر کاری به فتوای اصحاب ندارد، اصحاب همان نظر را از معصوم گرفتند و این را بیان کردند. ممکن است چنین فرقی را بتوانیم بین این دو قائل شویم ولی توجه داشته باشید که قائل به این وجه یکی از راههای احراز اتصال اجماع به زمان امام معصوم را پرسش و پاسخ بین امام و اصحاب شان دانسته بود که از این طریق می‌توانیم نظر اصحاب ائمه را به دست بیاوریم مثلاً از پرسش و پاسخ هایی که در مورد استحباب نکاح وجود دارد می‌توانیم کشف کنیم که نظر اصحاب ائمه بر استحباب نکاح بوده، لکن سوال این است که حال واقعا این پرسش و پاسخ ها نمایان گر نظر اصحاب است یا نظر امام؟ طبق مبنای اجماع تقریری نظر و فتوای اصحاب مهم است و بعد از آن سکوت و تأیید امام، اما طبق این وجه آنچه که تلقی شده، عین نظر امام است، نه اینکه عدم ردع و سکوت و تأیید نسبت به فتوای اصحاب باشد.

پس لقائل فرق بین این دو وجه این است که طبق نظر محقق بروجردی اصل از خود معصوم تلقی شده است و کأنه نظر خود معصوم پیدا بید منتقل شده به مجمعین ولی طبق این وجه (اجماع تقریری) فتوای اصحاب کشف شده و پس از آن تأیید امام به دست آمده است. لذا یکی از راه های احراز اتصال اجماع به زمان امام را اطمینان به وجود فتوا در میان اصحاب امام بیان کرده اند. (می‌گویند اگر ما اطمینان داشته باشیم که عین الفاظ یک فتوا مثل فتوای شیخ طوسی یا مضمونش در میان اصحاب ائمه وجود داشته و امام از آن ردع نکرده است می‌توانیم رضایت امام را کشف کنیم).

به هر حال خود ایشان (آیت الله زنجانی) می‌گوید آقای بروجردی از این فتاوا به اصول متلقات تعبیر کرده است. پس این همان اصول متلقات است. پس فرقی وجود ندارد. چون راه اول احراز اتصال اجماع به زمان امام را که گفتیم نمی‌تواند باعث فرق شود. راه دوم را که نیز خود ایشان از آن تعبیر به اصول متلقات کرده است. راه سوم هم این بود که مسئله مبتلا به باشد که در این جهت فرقی ایجاد نمی‌کند.

لذا مجموعاً به نظر ما بین اجماع تقریری و آنچه که محقق بروجردی فرمودند به حسب واقع فرقی نیست و در واقع این یک وجه مستقلی محسوب نمی‌شود، ممکن است در برخی از جزییات یک تفاوت هایی را بتوانیم ذکر کنیم ولی اساس و ماهیت اجماع تقریری با نظر محقق بروجردی تفاوتی ندارد. این یک اشکال کلی است که اینجا به نظر می‌رسد.

اشکال دوم

اشکال دیگر (که در کلام خود ایشان هم اشاره ای به آن شده) این است که احراز اتصال اجماع با هر یک از این راه های گفته شده بسیار کم اتفاق می‌افتد. یعنی ما کمتر می‌توانیم اطمینان پیدا کنیم که این فتوا از اصحاب امام اخذ شده تا بتوان امام معصوم را کشف کرد. چون اولاً قداماً، باید اجماع داشته باشند، (البته منحصر به آن عصر نیست ولی هرچه جلوتر می‌آییم این احتمالش کمتر می‌شود)، آنگاه ما باید از این اتفاق کشف کنیم اصحاب امام نیز نظرشان این بوده (یعنی اطمینان پیدا کنیم فتوای این فقهای که با هم اتفاق نظر دارند مأخوذ از نظر اصحاب ائمه است)، و بدانیم اصحاب ائمه این فتوا را در مرئی و مسمع امام بیان کرده بودند و امام اطلاع بر آن فتوا بر حسب علم عادی داشته و در عین حال سکوت کرده است. پس اجماع تقریری چند شرط دارد که تحقق اولی آن خیلی مشکل نیست اما تحقق آن دو امر دیگر کار آسانی نیست، پس همانطور که خود ایشان گفته است این یک امر بسیار نادر

التحقق است، مثل همان چیزی که ما در موارد اجماع تشریفی یا دخولی گفتیم، آنجا که بعضی می گوید غیر محقق است، نه اینکه نادر التحقق است، در آن دو تا بعضی نظرشان همین است.

این ندرت تحقق یک مشکل اساسی است در این راه و این اجماع را کالعدم می کند، (چون بحث اجماع محصل است، اجماع منقول که اعتبارش زیر سوال رفت، اما در مورد اجماع محصل با این ترتیب شاید نتوانیم مصداقی برای آن پیدا کنیم.) اما آنچه که محقق بروجردی گفتند راه تحصیل نظر معصوم را آسانتر می کند، او دیگر نمی گوید که ما باید فتوای اصحاب را به دست بیاوریم و بعد سکوت امام را تا بتوانیم این اجماع را متصل زمان به امام و مورد تأیید امام بدانیم. به نظر ایشان همین که یک مسئله ای از اصول متلقات باشد، اجماع در آن قطعاً کشف رأی معصوم می کند، زیرا اصول متلقات یعنی آن مسائل و احکامی که از معصومین تلقی شده است، پیدا بید، لذا ندرت تحقق مثل اجماع تقریری ندارد.

این محصل بحث در مورد اجماع تقریری بود.

چه بسا این بحث را قبل از ورود به بحث اجماع منقول باید مطرح می کردیم، در وجوه کاشفیت اجماع از رأی معصوم، بالاخره یک وجه نیز همین اجماع تقریری است.

بحث جلسه آینده

علی ای حال نسبت به نظر محقق بروجردی هم اشکالاتی مطرح شده است. بعضی از فضلاء نسبت به این وجه اشکالاتی مطرح کرده اند. ما باید این اشکالات را پاسخ دهیم تا ببینیم این نظر قابل دفاع است یا خیر؟

سوال:

استاد: صریحاً گفتند، کتب (یا فتاوا یا مسائل)، سه قسم است، فقط در یک قسم از اینها کشف رأی معصوم می شود، در اصول متلقات، در آن دو قسم دیگر اصلاً رأی معصوم کشف نمی شود، یکی مسائلی است که با استنباط فقها به دست می آید، این دیگر اصول متلقات نیست و یکی نیز آن مسائلی است که بوسیله احکام عقلی کشف حکم شرعی شده. ایشان تصریح می کند که از این سه دسته فقط یک دسته از آنها می تواند کاشف از رأی معصوم باشد.

اشکالاتی نسبت به این وجه مطرح کردند، یعنی همین اجماع مورد نظر محقق بروجردی، این اشکال را باید نقل کنیم و جواب دهیم.

«والحمد لله رب العالمین»